

	، عقب افتاده
Ingredient	اجزا ، ذرات ، داخل شونده ، عوامل ، عناصر
Issue	برآمد ، پی آمد ، خارج شدن ، صادر شدن ، بحث ، موضوع ،
Criterion	ملاک ، میزان ، مقیاس ، معیار ، نشان ، قطعی ، محک ، ضابطه ، معیار
Rehearse	گفتن ، تمرین کردن ، تکرار کردن
Weariness	خستگی ، ماندگی ، بیزاری
Lassitude	سستی ، سستی تب ، تب سبک ، رخوت ، خماری ، بی میلی
Indiscreet	بی احتیاط ، بی ملاحظه ، فاقد حس تشخیص ، بی تمیز
Submission	مطیع ، تابع ، تسلیم ، واگذاری ، تفویض ، اطاعت
Conformity	انطباق ، پیروی از رسوم یا عقاید ، همنوایی
Obedience	اطاعت ، فرمانبرداری ، حرف شنوی ، رامی
Fasten	بستن ، محکم کردن ، چسباندن ، سفت شدن
Flaw	دورز ، رخنه ، عیب ، خدشه ، تندباد ، آشوب ناگهانی
Slacken	سست کردن ، شل کردن یا شدن ، آهسته کردن ، کند کردن
Antipathy	احساس مخالف ، ناسازگاری ف انزجار
Detest	نفرت کردن ، تنفر داشتن از ، بیزار بودن از
Renovate	باز نو ساختن ، نو کردن ، تعمیر کردن ، از سرگرفتن
Rejuvenate	دوباره جوان کردن ، جوانی از سر گرفتن
Sparing	کم ، ناچیز ، مضایقه کننده ، صرفه جو ، ممتسل ، پس انداز کن
Botang	گیاه شناسی ف زندگی گیاهی یک ناحیه
Pest	طاعون ، بلا ف آفت ، مایه آزار و آسیب